

بررسی روند و علل مهاجرت به کلان شهر تهران با تأکید بر شهرستان فیروزکوه^۱

صالح قویدل^۲، حسین رازقی^۳، سیدخلیل سیدعلیپور^۴

چکیده:

مهاجرت به شهرها و بویژه تهران از اهمیت خاصی در ایران برخوردار بوده و تحقیقات و مطالعات زیادی نیز در این خصوص صورت گرفته است. روند افزایشی ورود مهاجر به شهر تهران نه تنها خود این شهر بلکه شهرهای اطراف را نیز تحت‌الشعاع قرار داده، شهرستان فیروزکوه نیز از این موضوع در امان نبوده و آمار مهاجرت در این شهرستان نیز قابل توجه بوده است. هدف از این مقاله بررسی روند تحولات جمعیتی و مهاجرت به استان تهران با تأکید بر شهرستان فیروزکوه و شناسایی دلایل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی و مهاجران می‌باشد. و سوال این است که مهمترین عوامل مهاجرت به شهرستان فیروزکوه چیست؟ روش تحقیق مطالعه میدانی بوده که با انجام نمونه‌گیری در سطح شهرستان فیروزکوه صورت گرفته است. نتایج حاکی است که:

۱. این مقاله برگرفته از تحقیقی تحت همین عنوان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه است.
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه
۳. کارشناس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
۴. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

رشد جمعیت و مهاجرت در شهرستان فیروزکوه نسبت به استان تهران در دوره ۸۳ - ۱۳۵۵ از شدت کمتری برخوردار است. شکل مهاجرت‌هایی که در سالهای گذشته (بیشتر از ۱۰ سال) در فیروزکوه صورت گرفته، مهاجرت از روستا به شهر بوده است که عمدتاً از روستاهای حومه فیروزکوه بوده‌اند. که نقش عوامل اقتصادی (شغل، درآمد و ...) پررنگ‌تر دیده می‌شود. از سویی شکل مهاجرت سالهای اخیر در این شهرستان به صورت مهاجرت از شهر به شهر بوده است که نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی (ازدواج، مأموریت اداری، تحصیل و ...) محسوس‌تر می‌باشد. در بین مهاجرین باسواد بالاتر، نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی و در بین افراد کم‌سواد، نقش عوامل اقتصادی بیشتر دیده می‌شود.

طبقه‌بندی JEL: G11

کلید واژه‌ها: مهاجرت، جمعیت، تهران، فیروزکوه.

۱ - مقدمه

مهاجرت به شهرهای بزرگ یکی از مسائل و مشکلات اساسی دولتها در کشورهای مختلف، بویژه کشورهای درحال توسعه می‌باشد. این موضوع مورد علاقه متخصصان علوم اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. در دهه‌های بسیار گذشته، حداقل از نظر اقتصادی، مهاجرت پدیده مطلوبی تلقی می‌شد چرا که انتقال نیروی انسانی از نواحی کم‌بازده به نواحی دارای بازده نسبی بیشتر، موجب افزایش رشد و کارایی اقتصادی می‌گردید ولی با گسترش بی‌رویه مهاجرت، علیرغم وجود نرخ بیکاری قابل توجه در مناطق شهری، و همچنین بروز مشکلات اجتماعی، مطلوب بودن این پدیده مورد تردید قرار گرفت. بسیاری از مشاغل غیررسمی، اسکان نامطلوب مهاجران، آلودگی زیست محیطی و بروز مسائل اجتماعی از قبیل بزهکاری، دزدی و ... از جمله نتیجه مهاجرت به شهرهای بزرگ بویژه کلان شهر تهران است. براساس اطلاعات دهه‌های گذشته بیشترین نرخ مهاجرپذیری مربوط به استان تهران بوده است و این مسئله نگرانی‌های قابل توجهی را برای دولت ایجاد کرده است. بویژه آنکه بسیاری از شهرهای همجوار تهران به خوابگاهی برای شاغلین شهر تهران تبدیل شده است و مسائل مختلفی را به همراه داشته است. هدف از این مطالعه بررسی روند مهاجرت به تهران و با تأکید بر شهرستان

فیروزکوه و بررسی ویژگی‌های مهاجرین است. برای این منظور در این مطالعه، از اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن که به صورت کشوری و شهرستان‌های استان تهران است استفاده گردیده البته به علت در دسترس نبودن اطلاعات سرشماری سال ۱۳۸۵ از سرشماری سال ۱۳۷۵ و برآوردهای آماری در سالهای اخیر استفاده شد.

۲- تعریف مهاجرت

مهاجرت در لغتنامه جمعیت‌شناسی سازمان ملل چنین تعریف شده است: "مهاجرت شکلی از جابجایی جغرافیایی یا تحرک مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد. این تحرک جغرافیایی با تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود می‌باشد. اینگونه مهاجرتها را مهاجرت دائم گویند و باید آنرا از اشکال دیگر حرکات جمعیت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نیستند، جدا کرد."^۱

مهاجرت از دیدگاه دیگر می‌تواند به دو نوع مهاجرتها داخلی و مهاجرتها بین‌المللی تقسیم شود. مهاجرتها بین‌المللی مستلزم عبور از مرزهای بین‌المللی است (مهاجرت از یک کشور به کشور دیگر) درحالی که مهاجرتها داخلی در درون مرزهای یک سرزمین انجام می‌شود و به دو دسته مهاجرتها استانی و مهاجرتها بین استانی تقسیم می‌شوند. مهاجرت درون استانی شامل مهاجرت در داخل استان بصورت مهاجرت از روستا به شهر، روستا به روستا، شهر به شهر و شهر به روستا تقسیم می‌شود. مهاجرت در اشکال فوق نیز می‌تواند به صورت مهاجرت ناخالص یعنی مجموع برون کوچان (کسانی که از منطقه خارج می‌شوند) و درون کوچان (کسانی که در داخل روستا یا شهر جابجا می‌شوند) و یا به صورت خالص مهاجرت یعنی تفاضل مهاجرین وارد شده به یک محل و مهاجرین خارج شده از آن محل اندازه‌گیری شود. نرخ مهاجرت نیز که اغلب بصورت درصد ذکر می‌شود از فرمول زیر محاسبه می‌شود.

۱. زنجان، حبیب‌اله، تحلیل جمعیت‌شناسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۷۶

$$\text{نرخ مهاجرت} = \frac{\text{مهاجران خارج شده} - \text{مهاجران وارد شده}}{\text{متوسط جمعیت طی دوره}} \times 100$$

یا از طریق فرمول زیر:

$$\text{نرخ رشد طبیعی} - \text{نرخ رشد جمعیت طی دوره} = \text{نرخ مهاجرت}$$

که در این فرمول:

$$\text{نرخ رشد جمعیت} = \frac{\text{جمعیت اول دوره} - \text{جمعیت آخر دوره}}{\text{جمعیت اول دوره}} \times 100$$

نرخ مرگ و میر در دوره - نرخ موالید در دوره = نرخ رشد طبیعی
 نرخ مهاجرت طبق تعریف بالا می‌تواند منفی (مهاجر فرست) و یا مثبت (مهاجرپذیر) باشد.

۳- دلایل مهاجرت و نظریات مطرح شده

پدیده مهاجرت در دهه‌های گذشته حداقل از نظر اقتصادی، پدیده مطلوبی تلقی می‌شد. اما با گسترش بی‌رویه مهاجرت و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی همراه آن مطلوب بودن پدیده مهاجرت مورد تردید قرار گرفت. عوامل اقتصادی همچون افزایش نرخ بیکاری، افزایش نرخ تورم، گسترش فقر و ... از جمله عواملی بودند که همراه با افزایش مهاجرت می‌توانست به مناطق بزرگ و مهاجرپذیر بویژه در شهرهای بزرگ انتقال یابد. عوامل اجتماعی زیادی را نیز مرتبط با مهاجرت می‌دانند مانند افزایش بزهکاری، دزدی، طلاق، اعتیاد و ... و سایر عواملی که می‌توانند با افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ به مناطق مهاجرپذیر، آسیب برسانند. عده‌ای پدیده مهاجرت را مطلوب تلقی می‌کردند چرا که آنرا در راستای تخصیص کارای منابع در نظر می‌گرفتند، گرین وود (۱۹۸۵)^۱، ولی با مشاهده اینکه نقاطی که نرخ مهاجرت به داخل بالایی دارند نرخ مهاجرت به خارج بالایی را نیز تجربه می‌کنند و همچنین تداوم تفاوت‌های

قابل توجه در نرخ بیکاری و سطح درآمد بین مناطق مهاجر فرست و مهاجرپذیر بطور اعم و ایجاد مشکلاتی نظیر نابرابری های ساختاری شهر و روستا، افزایش عرضه کار بیشتر از تقاضای آن در شهرها و در نتیجه ایجاد بیکاری شهری، بوجود آمدن حاشیه نشینی، گسترش فقر، تراکم در استفاده از کالای عمومی و ... بطور اخص، در مورد کارایی مکانیزم مهاجرت در تخصیص منابع تردیدهای جدی بوجود آمد و در طی زمان نیز گسترش یافت بگونه ای که امروزه ایسن پدیده بخصوص در کشورهای درحال توسعه، پدیده ای منفی تلقی می گردد. نظریات دیگر، علت مهاجرت را افزایش سطح رفاه مهاجران نسبت به قبل از مهاجرت می دانستند (تودارو)^۱ که بنابراین برای ارزیابی پدیده مهاجرت باید بگونه ای منافع و هزینه های آن و یا خالص رفاهی که این حرکت جمعیتی برای جامعه فراهم می کند مدنظر قرار گیرد.

اما نکته ای که قبل از بررسی علل مهاجرت بایستی در نظر داشت اینست که مشکلاتی که از آنها به عنوان مضرات مهاجرت یاد می شود. مثل بیکاری، حاشیه نشینی، گسترش فقر و ... مشکلاتی هستند که قبل از مهاجرت نیز وجود داشته اند و با مهاجرت تنها از نقطه ای به نقطه دیگر منتقل می شود. در واقع چونکه اینک در یک نقطه متمرکز شده اند بیشتر مورد توجه قرار می گیرد. البته مواردی نیز وجود دارند که منحصرأ نتیجه مهاجرت اند نظیر گسترش مفاسد اجتماعی مشکلات ناشی از رشد بی رویه منطقه مهاجرپذیر، آلودگی هوا، ترافیک و نظایر آنها.

بطور کلی و براساس نظریات کلاسیک و معاصر، دو دیدگاه را می توان در مورد مهاجرت از روستا به شهر مشخص نمود:^۲

۱- نظریات کارکرد باوری مهاجرت (مرتون^۳، باکان^۴): در رابطه با دلایل مهاجرت، کارکرد باوران فرضشان این است که تمام نیازهای اجتماعی در چارچوب نظام های اجتماعی آموخته می شوند درک ناهماهنگی های بین خصایص فرد و نظام اجتماعی

۱. تودارو

۲. لهسانی زاده، عبدالعلی، نظریات مهاجرت، دانشگاه شیراز، چاپ اول، ۱۳۶۸

3. Merton (1975)

4. Bacon (1971)

منجر به مهاجرت شخص جهت کاهش ناهماهنگی‌های ساختی می‌شود. کارکرد باوران بر این عقیده‌اند که سرمایه کلاً تحرکش از افراد بیشتر و آسانتر است. پس در اینجا مسئله ایجاد تعادل نیست بلکه حرکت نیروی کار ارزان از مبدأ به مقصد است. همراه با مهاجرت افراد، سرمایه‌داری، هم سرمایه و هم منابع را از مناطق روستایی به شهر می‌برد تا در شهرها تولید نماید. این امر واضح است که حرکت سرمایه به روستا یا استفاده از سرمایه روستا در مکانی که هم نیروی کار ارزان و هم مواد لازم موجود است (یعنی خود روستا) برای ایجاد تعادل در یک نظام آسانتر است.

دیدگاه کارکرد باوری نه تنها از لحاظ علتی که برای مهاجرت ذکر می‌کند مورد انتقاد است، بلکه از لحاظ آثار و پیامدهایی که برای مهاجرت برمی‌شمارد نیز در معرض انتقاد قرار دارد. براساس شواهد موجود، مهاجرین در محیط مقصد چنانکه کارکرد باوران ادعا دارند جذب محیط نمی‌شوند و در بسیاری از شهرها مهاجرین در حاشیه شهرها سکونت گزیده و در مشاغل فعالیت می‌کنند که از پایین‌ترین رده‌های اجتماعی محسوب می‌گردد (خصوصاً در کشورهای جهان سوم).

۲- نظریات وابستگی مهاجرت از روستا به شهر است (امین^۱، کاستل^۲، سافا^۳،

پورتس^۴): معتقدین به وابستگی بر این عقیده‌اند که علت‌های مهاجرت را نمی‌توان از اثرات آن جدا کرد، زیرا مهاجرت از یک طرف معلول توسعه نابرابر است و از طرف دیگر عامل گسترش و تعمیق توسعه نابرابر دو دسته عوامل برای بیان علت مهاجرت در نظر گرفته شده است: ۱- عوامل تغییردهنده، ۲- عوامل رکودی. عوامل اول با نفوذ سرمایه‌داری در مناطق سنتی و ایجاد تغییر در تکنیک‌های تولیدی ارتباط دارد. تکنیک‌های جدید کارگر اضافی ایجاد می‌کند و آنها را مجبور به مهاجرت می‌نماید. عوامل رکودی زمانی عمل می‌کنند که رشد جمعیت از تولیدات کشاورزی پیشی می‌گیرد و نیروی کار اضافی را مجبور به مهاجرت می‌نماید. پس ماهیت مهاجرت

-
- 1 . Amin (1974)
 - 2 . Costel (1973)
 - 3 . Safa (1975)
 - 4 . Portes (1978)

روستاییان با وضعیت زیرساختی و زیربنایی روستاها در اثر ادغام در نظام سرمایه‌داری مرتبط است.

بطور کلی نظریه پردازان وابستگی مهاجرت از روستا به شهر را در کشورهای جهان سوم پدیده‌ای جدید در ارتباط با گسترش سرمایه‌داری وابسته در این کشورها می‌دانند، این نظریه‌پردازان و محققین به عامل دافعه جمعیت باور دارند و علت مهاجرت را عمدتاً نابرابری سطح توسعه روستا و شهر می‌دانند. اگرچه این توسعه وابسته است اما به هرحالت تمرکز سرمایه در یک محیط و بی‌توجهی به محیط دیگر و یا ایجاد تغییرات انتخابی را در محیط دوم عامل حرکت جمعیت از روستا به شهر می‌دانند.

اگرچه دیدگاه وابستگی مسئله مهاجرت از روستا به شهر را در کشورهای جهان سوم نسبت به دیدگاه کارکرد باوری بنحوی جامع‌تر بررسی می‌کند اما بر این دیدگاه نیز انتقاداتی وارد است.

از بعد اقتصادی دلایل مهاجرت نیز به سه نظریه اقتصادی خلاصه می‌شود که بطور خلاصه به شرح ذیل است^۱:

۱- نظریه سرمایه انسانی و هزینه و فایده: این نظریه مفهوم سرمایه‌گذاری در انسان و بالا بردن مهارت نیروی انسانی می‌باشد در این نظریه فرض اساسی این است که افراد وقتی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که فایده مهاجرت کردن به هزینه آن افزونی داشته باشد. فایده مهاجرت در ارزش درآمد بالقوه پس از مهاجرت در مقایسه با درآمد کنونی می‌باشد. فایده‌های غیر پولی نظیر ترجیح برای زندگی در یک شهر بخصوص نیز در قلمرو این نظریه قرار دارد. هزینه‌ها شامل خرج سفر و جابجایی، هزینه فرصت اقتصادی مربوط به درآمد از دست رفته در طی مهاجرت و پیدا کردن کار جدید و هزینه‌های روانی نظیر ترک خانه و محله مورد علاقه و ورود به شهر غریب می‌باشد. مدل هزینه و فایده چند نکته اساسی را در مورد تأثیر برنامه‌های عمران روستایی بر مهاجرت از روستا مشخص می‌سازد. برطبق این نظریه کاهش هزینه‌های پولی مهاجرت بواسطه اجرای پروژه‌های عمرانی نظیر احداث راههای روستا به شهر و بوجود آوردن امکانات حمل و نقل به نرخ مهاجرت می‌افزاید. علاوه بر این، چنین برنامه‌هایی با

توسعه ارتباطات از هزینه روانی می‌کاهد. عمران روستایی باعث افزایش فایده‌های مهاجرت نیز می‌گردد زیرا با بوجود آوردن امکانات آموزش و پرورش و افزایش مهارت‌های روستاییان این امکان بوجود خواهد آمد که روستاییان به سادگی در مشاغل شهر بتوانند فعالیت کنند. نوسازی و نوگرایی در روستا باعث افزایش فایده‌های غیرپولی یعنی استفاده از زرق و برق شهری نظیر امکانات سرگرمی، خواهد شد و از این طریق به میزان مهاجرت می‌افزاید. البته عمران روستایی هزینه‌های فرصت مهاجرت را افزون خواهد کرد زیرا چنین برنامه‌هایی با اضافه کردن درآمد خانوارها شرایط زندگی را آسانتر می‌کنند. بطور خلاصه برنامه‌های عمرانی باعث کاهش هزینه‌های مهاجرت می‌شود لیکن فوائد مهاجرت یا عدم مهاجرت را نیز می‌افزاید و بدین ترتیب مشکل است بتوان پیش‌بینی دقیقی از این مدل بدست آورد.

۲ - نظریه درآمد انتظاری: این نظریه در شرایطی ارائه شد که در آن اغلب کشورهای درحال توسعه نرخ مهاجرت از روستا به شهر همراه با افزایش نرخ بیکاری در شهرها ادامه داشت. اساس این نظریه بر این عبارت قرار دارد که تصمیم برای مهاجرت بستگی به برداشت از "درآمد انتظاری" در مقصد دارد. برای یک روستایی درآمد انتظاری در روستا بر مبنای نرخ متداول در روستا می‌باشد. در شهرها درآمد انتظاری بر مبنای حداقل مزد قانونی و احتمال بدست آوردن شغل در بخش شهری می‌باشد. بر مبنای این نظر مهاجرت از روستا به شهر آنقدر ادامه می‌یابد تا "درآمد انتظاری" بین شهر و روستا یکسان گردد. بنابراین هر پروژه عمرانی که باعث فاصله بین درآمد شهر و روستا گردد، تأثیر منفی بر مهاجرت از روستا به شهر خواهد داشت. این نظریه و بخصوص دیدگاه‌های انتظاری در مورد مهاجرت از روستا به شهر باعث بوجود آمدن این عقیده عمومی شده‌اند که عمران روستایی مهاجرت از روستا به شهر را کاهش می‌دهد.

۳ - نظریه ارتباط بین بخش‌ها: اساس این نظریه بر این فرض استوار است که بخش‌های متفاوت اقتصادی و همینطور روستا و شهر بعنوان دو بخش به هم مربوط هستند و این ارتباطات بصورت یک سیستم ارتباط پیشین و پسین می‌باشد. از طریق این سیستم ارتباطی، توسعه روستایی می‌تواند بر فعالیت‌های اقتصادی شهر تأثیر بگذارد. برای مثال توسعه تولید کشاورزی باعث افزایش تولید کالاهای موردنیاز در

کشاورزی می‌گردد. اینگونه کالاها در شهرها ساخته می‌شوند و به همین جهت ارتباط پسین باعث رشد اقتصاد شهری نظیر تولید و توزیع وسائل و ماشین‌آلات کشاورزی، کود شیمیایی، اعتبارات و نظام‌های اطلاعات کشاورزی می‌گردد. در نهایت ارتباط تقاضای افزوده شده بواسطه افزایش درآمد روستاییان بسیار مهم است. همراه با افزایش درآمد، مصرف‌کنندگان روستایی سهم زیادتری از درآمد خود را صرف خرید کالاها و خدمات شهری می‌نمایند. برای برآوردن این تقاضا تولید شهری افزایش می‌یابد و در این فرآیند امکانات اشتغال در شهر نیز توسعه می‌یابد یا به عبارتی دیگر تقاضا برای نیروی کار در شهر افزایش می‌یابد و با فرض ثابت بودن عرضه نیروی کار در شهرها، مهاجرت از روستا به شهر افزایش پیدا می‌کند. بدین ترتیب پیش‌بینی مدل ارتباط بین بخشی این است که برنامه‌ها و پروژه‌های عمران روستایی در نهایت باعث افزایش نرخ و حجم برون کوچی از روستاها خواهند شد.

هرچند مهاجرت دارای عوامل متعددی است اما مهمترین بعد آن اقتصادی است و به همین علت اکثر نظریه‌های ارائه شده جنبه اقتصادی موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند. در ذیل به برخی از نظریات اقتصادی ارائه شده درخصوص دلایل اقتصادی مهاجرت که توسط نظریه‌پردازان اقتصادی مطرح شده، اشاره خواهد شد.^۱

راوینشتاین^۲: اولین نظریه مربوط به مهاجرت در اواخر قرن نوزدهم میلادی به وسیله ای. جی، راوینشتاین ارائه گردید. نظریه راوینشتاین باتوجه به موضوع مهاجرت داخلی در انگلیس و بررسی آماری مربوط به بیش از ۲۰ کشور جهان در سال ۱۸۸۵ ارائه گردید، که توسط خود او به قوانین مهاجرت نامگذاری شد. قوانین راوینشتاین در ۷ اصل اساسی خلاصه می‌شود:

۱ - مهاجرت و فاصله: نرخ مهاجرت بین دو نقطه ارتباط معکوس با فاصله این دو نقطه دارد.

۲ - مهاجرت مرحله‌ای: به طور طبیعی در جریان مهاجرت، افراد محلی مایلند ابتدا به طرف شهرهای نزدیک و سرانجام به سوی شهرهایی که به سرعت رشد می‌کنند،

۱. فرجادی (۱۳۸۲)، مهاجرت و اشتغال در استان تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران.

مهاجرت نمایند.

۳ - جریان و ضد جریان مهاجرت: هر جریان عمده مهاجرت، یک ضد جریان جبران کننده را به وجود می آورد.

۴ - تفاوت شهر و روستا در میل به مهاجرت: اهالی شهرها کمتر از اهالی قسمتهای روستایی کشور مهاجرت می کنند

۵ - تکنولوژی، ارتباطات و مهاجرت: جریانهای مهاجرت در طول زمان در نتیجه "افزایش امکانات جابه جایی" و "توسعه تجارت و صنعت" ماهیتاً رو به افزایش است.

۶ - فزونی شمار زنان در مهاجرت با مسافت کوتاه: به نظر می رسد بین مهاجرین، در مسافت کوتاه، زنان برتری داشته باشند.

۷ - تسلط انگیزه اقتصادی: آخرین و مهمترین اصل، تسلط انگیزه اقتصادی است. "قوانین بد و ظالمانه، مالیاتهای سنگین، آب و هوای نامناسب، محیطهای اجتماعی نامطبوع حتی اجبار (تجارت برده، حمل و نقل)" در ایجاد جریانهای مهاجرت مؤثر بوده و هنوز هم مؤثر است، ولی جریانهایی که به وسیله این عوامل به وجود می آید هیچ یک از نظر حجم، قابل مقایسه با جریانی نیست که از میل باطنی اکثر انسانها به "بهبود" جنبه های مادی زندگی سرچشمه می گیرد. در واقع، انگیزه اقتصادی در مجموعه عوامل مؤثر در تصمیم گیری در مورد مهاجرت از همه قویتر است.

زیپف^۱: از جمله اندیشمندانی است که در تبیین مهاجرت و توجه به فاصله در مهاجرت کوشیدند. وی در سال ۱۹۴۶ کوشش کرد با طرح مسئله مسافت و براساس اصل کمترین تلاش، روند مهاجرت بین دو مکان را توضیح دهد. مدل جاذبه زیپف مبتنی بر رابطه جاذبه، ملهم از قانون جاذبه نیوتن بوده است. از نظر زیپف هرچه مسافت بین دو محل زیادتر و بنابراین هزینه حمل و نقل، ارتباطات و غیره بیشتر باشد، مبادله مهاجرین کمتر است.

سامر میجر^۲: سامر میجر در تبیین مهاجرتهای بین منطقه ای، روش زیپف را پایه کار خود قرار داده و عوامل جاذبه و دافعه مبدأ و مقصد را بر آن اضافه نمود. وی در مورد

۱. Zipf

۲. Miger

جاذبه‌های مبدأ و مقصد به عواملی همچون درآمد سرانه - درصد بیکاران - درجه شهرنشینی - امکانات گذراندن اوقات فراغت - کیفیت مسکن توجه داشت و با تأکید بر این عوامل ضرابی نیز برای هر یک از آنها تعیین نمود.

استافر^۱: وی با تأکید بر موقعیتها، راه ورود تعداد زیادی از خصوصیات جامعه شناختی را (علاوه بر موقعیتهای اقتصادی که یک شهر را به گونه‌های متفاوتی دارای جاذبه می‌نماید) به تحلیل‌های مهاجرت باز کرد. استافر دریافت که تبیین مهاجرت، در ارتباط با تعداد فرصتهای قابل دسترسی در یک فاصله مشخص، عملی‌تر از طرح کلی مسافت است. در واقع این مسافت میان دو نقطه نیست که تبیین کننده مهاجرت میان آن دو نقطه است، بلکه نکته اصلی در این است که در فاصله مشخصی از مبدأ مهاجرت، چه فرصتهای مطلوبی از هر نظر وجود دارد که سبب مهاجرت می‌شود. به نحوی که اگر این فرصتها در بین راه مبدأ و مقصد مفروض قرار گیرد، در واقع مهاجرت به مقصد مفروض با مانع برخورد کرده و از شدت آن کاسته می‌شود. در واقع استافر مفهوم فاصله را با تعمیم مفهوم موقعیتهای مداخله‌گر و فاصله اجتماعی (نه مکانی) توسعه داد.

جاستاد^۲: در مقاله مهم خود (۱۹۶۲) تصمیم‌گیری درخصوص مهاجرت را همانند تصمیم به سرمایه‌گذاری، در بر گیرنده منافع و هزینه‌های مربوط به آن در طول زمان می‌داند. هرچند وی این منافع و هزینه‌ها را، چیزی بیشتر از مقادیر پولی می‌داند. وی معتقد است که هر فرد در هنگام اتخاذ تصمیم به مهاجرت، هزینه‌های فیزیکی و پولی ناشی از مهاجرت را در نظر دارد و در صورتی از مهاجرت صرفنظر می‌کند که این هزینه‌ها بر منافع حاصل از مهاجرت غلبه نماید

اورت. اس. لی^۳: وی رویکرد علت و معلولی به قضیه مهاجرت دارد و معتقد است که عواملی که در تصمیم به مهاجرت و فرایند آن تأثیر دارند را می‌توان تحت چهار عنوان کلی دسته‌بندی و خلاصه کرد: ۱- عواملی که با حوزه مبدأ مهاجرت ارتباط دارد.

1. Stouffer

2. Justad

3. Lee

۲ - عواملی که با محل مقصد مهاجرت مرتبط است. ۳ - عوامل (موانع) مداخله‌گر (بازدارنده) ۴ - عوامل شخصی.

در نظریه و مدل "لی" چنین فرض شده است که مناطق مبدأ و مقصد، هریک دارای عوامل مثبتی هستند که افراد را در محل نگه می‌دارد و یا موجب می‌شود دیگران به سوی آن جذب شوند. در مقابل عوامل منفی نیز در هریک از این مناطق وجود دارند که موجب دفع و طرد مردم از آن مناطق هستند. در این میان عوامل خنثی نیز وجود دارند که روی هم رفته، نه به عنوان نیروی جاذب و نه به عنوان نیروی دافع هستند و در واقع در ترغیب و یا عدم ترغیب به مهاجرت نقشی ندارند.

۴ - مطالعات انجام شده

- خلیلی عراقی (۱۳۶۷): خلیلی عراقی دو شوک اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ و افزایش قیمت نفت در دهه ۱۳۵۰ را عامل سرازیر شدن مردم از سایر نقاط کشور به تهران می‌داند. او می‌نویسد که با اصلاحات ارضی حدود ۵۰ درصد جمعیت روستایی کشور بدون زمین ماندند و کسانی هم که زمین می‌گرفتند چون کمکی از دولت نمی‌گرفتند و همچنین سرمایه‌ای نداشتند روانه شهرها بخصوص شهر تهران شدند. همچنین در جریان اصلاحات ارضی واحدهای مکانیزه کشاورزی بزرگ ایجاد شد که اکثراً سرمایه‌بر بودند.

- خوشکلام (۱۳۷۸): وی دو فرضیه را معرفی می‌کند، اول اینکه انتظار درآمد واقعی بیشتر در استان تهران نسبت به استان مبدأ باعث مهاجرت از استان مبدأ به استان تهران می‌شود و دوم اینکه انتظار فرصت‌های شغلی بیشتر در تهران نسبت به استان مبدأ باعث مهاجرت از استان مبدأ به تهران می‌شود.

نویسنده معتقد است عمده‌ترین خصوصیات بررسی وی، مطالعه علل مهاجرت برای دوره ۷۵ - ۱۳۶۵ با استفاده از روش معادلات همزمان برای تخمین مدل، استفاده از درآمد واقعی حاصل از محل نیروی کار خانوار به جای کل درآمد اسمی خانوار، برطرف کردن بخشی از "اریب انتخاب" موجود از طریق وارد کردن نسبت باسوادی در مبدأ نسبت به مقصد در درآمدهای انتظار مقصد می‌باشد که در مطالعه مشابه انجام شده

در مهاجرت کمتر مورد توجه قرار داشته‌اند.

- فرجادی و همکاران (۱۳۸۲): فرجادی و همکاران در مطالعه‌ای تحت عنوان "مهاجرت و اشتغال در استان تهران" به بررسی آماری و تحلیل دلایل مهاجرت به استان تهران و اثرات آن بر بازار کار استان پرداخته‌اند. وی پدیده مهاجرت را از جنبه‌های اقتصادی و جامعه‌شناسی مورد تحلیل قرار داده است و در بررسی‌های آماری سالهای گذشته استانهای مهاجر فرست به تهران را استانهای شمالی، شمال غربی و غرب کشور شناخته و عمده مهاجرین به استان تهران را افراد جوان در آغازین سالهای فعالیت، دانسته است. نتیجه این طرح دستیابی به شغل یا کسب درآمد را عمده دلایل روی‌آوری و تمرکز مهاجران داخلی به استان تهران نشان می‌دهد.

همچنین نرخ فعالیت در بین مهاجران نسبت به جمعیت بومی بالاتر بوده است چرا که عمده دلایل مهاجرت، کار و مشارکت اقتصادی است. وی سیاستهایی را در جهت مهار این مهاجرتها پیشنهاد کرده است که شامل سیاستهای مهارکننده (که مبدأ مهاجرت را هدف قرار دهد)، سیاستهای هدایت مهاجران (که تغییر مسیر و جهت مهاجران را به کانونها یا نقاط مستعد تجهیز شده به همراه دارد) و سیاستهای کاهش جاذبه‌های مهاجرپذیری (در نقطه یا جامعه مهاجرپذیری که معطوف به مقصد است)، می‌باشد. طبق پیش‌بینی این تحقیق در دوره ۸۵ - ۱۳۷۵ استان تهران شاهد مهاجرت تقریبی بین ۸۰۰ هزار تا ۱۳۵۰ هزار نفر خواهد بود.^۱

۵ - روش تحقیق

در این مطالعه از دو روش برای نشان دادن عوامل مؤثر بر مهاجرت به استان تهران و شهرستان فیروزکوه استفاده شده است. روش اول مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است و روش دوم مطالعه میدانی و با روش نمونه‌گیری می‌باشد. در روش مطالعه اسنادی، تحولات جمعیت و مهاجرت و همچنین وضعیت شاخص‌های بازار کار در استان تهران و شهرستان فیروزکوه با هم مقایسه شده است و با این روش رتبه و

۱. برخی از مطالعات و نتایج این تحقیق در مطالعه حاضر استفاده شده که در جای خود اشاره شده است.

وضعیت شهرستان در کل استان مشخص می‌گردد. دوره مورد بررسی نیز از سال ۸۳ - ۱۳۵۵ بوده است منابع و مآخذ استفاده شده در این قسمت نیز عمدتاً از نتایج حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال‌های ۷۵ - ۱۳۵۵ و نتایج تکمیلی حاصل از همانندسازی جمعیت شهرستان‌های استان تهران (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران) استفاده شده است. همچنین از منابع نمونه‌گیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور و فرمانداری شهرستان فیروزکوه نیز استفاده شده است.

۶ - روند جمعیت و مهاجرت در استان تهران

جدول (۱) جمعیت استان تهران را در سالهای ۷۵ - ۱۳۵۵ نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود جمعیت تهران از ۵۳۳۱ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۸۰۹۵ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش داشته که بطور متوسط سالانه $\frac{4}{3}$ درصد رشد داشته است در حالیکه در همین دوره رشد متوسط سالانه جمعیت در کل کشور $\frac{3}{9}$ درصد بوده است. این روند بالطبع نمی‌تواند ناشی از رشد طبیعی جمعیت باشد و نشان‌دهنده حجم عظیم مهاجرت به این استان است بخصوص اینکه در این دوره (۵۵ - ۱۳۶۵) بعلت وجود جنگ تحمیلی در ایران، ورود سیل عظیم مهاجرین جنگ به استان نیز مزید بر علت شده است. شدت آهنگ رشد جمعیت استان در دوره ۷۵ - ۱۳۶۵ کاهش داشته و رشد متوسط سالانه $\frac{2}{5}$ درصد را نشان می‌دهد و به رقم 10344 هزار نفر رسیده است و در این دوره رشد جمعیت استان آهنگ نرمالی داشته و به روند رشد جمعیت در کل کشور در این دوره (۲ درصد) نزدیک شده است. جمعیت استان در دوره ۸۳ - ۱۳۷۵ به بطور متوسط سالانه $\frac{1}{4}$ درصد رشد داشته که متناسب با رشد کل کشور در همین دوره ($\frac{1}{5}$ درصد) بوده است.

در سال ۱۳۵۵، $\frac{91}{3}$ درصد از جمعیت استان تهران در مناطق شهری زندگی می‌کردند که در سال ۱۳۸۳ به $\frac{88}{8}$ درصد کاهش داشته است. که به همین نسبت سهم جمعیت مناطق روستایی افزایش داشته است. این درحالی است که سهم شهرنشینی در کل کشور از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به $\frac{66}{4}$ درصد در سال ۱۳۸۳ رسیده است.

بنابراین یکی از دلایل روند کاهشی سهم شهرنشینی در استان تهران می‌تواند توسعه و رشد حاشیه نشینی در حومه شهر تهران بعلت مهاجرت زیاد به این شهر باشد.

جدول ۱ - جمعیت استان تهران و کل کشور در دوره ۸۳ - ۱۳۵۵ (هزار نفر)

کل کشور			استان تهران			
جمعیت روستایی	جمعیت شهری	جمعیت	جمعیت روستایی	جمعیت شهری	جمعیت	سال
۱۷۸۵۴	۱۵۸۵۵	۳۳۰۷۹	۴۶۱	۴۸۷۰	۵۳۳۱	۱۳۵۵
۲۲۶۰۰	۲۶۸۴۵	۴۹۴۴۵	۱۱۰۲	۶۹۹۳	۸۰۹۵	۱۳۶۵
۲۳۲۳۷	۳۶۸۱۸	۶۰۰۵۵	۱۱۵۳	۹۱۹۱	۱۰۳۴۴	۱۳۷۵
۲۲۷۲۶	۴۴۹۳۰	۶۷۶۵۶	۱۲۹۸	۱۰۲۷۲	۱۱۵۷۰	۱۳۸۳
						رشد متوسط ۵۵-۶۵ (درصد)
۲/۴	۵/۴	۳/۹	۹/۱	۳/۷	۴/۳	
						رشد متوسط ۶۵ - ۷۵
۰/۲	۳/۲	۲	۲/۷	۲/۵	۲/۵	
						رشد متوسط ۷۵ - ۸۳
-۰/۳	۲/۵	۱/۵	-۱/۲	۱/۸	۱/۴	
						رشد متوسط ۸۳ - ۵۵
۰/۹	۳/۸	۲/۵	۳/۸	۲/۸	۲/۸	

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن

- مهاجرین وارد شده به استان تهران: جدول (۲) و وضعیت روند مهاجرت در استان تهران در دوره ۷۵ - ۱۳۵۵ را نشان می‌دهد. در دوره ۶۵-۱۳۵۵ بیش از ۱۲۵۲ هزار نفر وارد استان تهران شده‌اند که از این تعداد بیش از ۳۵ درصد یعنی تعداد ۴۴۵ هزار نفر از مهاجرین در خود استان جابجایی داشته‌اند. و در حدود ۱۰۵ هزار نفر که ۸/۴ درصد از مهاجرین ورودی به تهران را تشکیل می‌دهند از خارج از کشور وارد تهران شده‌اند که در بین استانهای کشور این سهم، درصد بالایی را نشان می‌دهد. اما در بین استانهای کشور، استان آذربایجان شرقی به تنهایی با ۱۹۵ هزار نفر مهاجر که در حدود ۱۵/۶

درصد را شامل می‌شود در صدر استانهای مهاجرفرست به استان تهران قرار دارد. استان زنجان با ۵/۱ درصد از مهاجرین در رده دوم قرار دارد و استان همدان نیز با ۴ درصد در رده سوم قرار دارد. مهاجرین ورودی در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ استان تهران شاهد ۴/۳ درصد افزایش متوسط سالانه بوده و به ۱۹۰۴ هزار نفر رسیده که البته بیش از ۵۴ درصد از این مهاجران، در داخل استان جابجا شده‌اند که با کسر این رقم از تعداد کل مهاجرین ورودی به استان در سال ۱۳۷۵، این رقم ۸۶۳ هزار نفر کاهش یافته است. که یکی از دلایل کاهش این سهم مهاجرین خارج استانی، پایان جنگ و بازگشت مهاجرین جنگ به استانهای خویش، سرمایه‌گذاری‌های جدید در استانها، توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در استانها و ... را می‌توان نام برد. به‌رحال در سال ۱۳۷۵ باز هم استان آذربایجان شرقی با ۶۳ درصد مهاجرین در صدر جدول مهاجرفرست‌ترین استان به تهران قرار دارد و استانهای خراسان، همدان، مازندران و گیلان با اندکی جابجایی نسبت به سال ۱۳۶۵ در رده‌های بعدی قرار دارند. نکته قابل توجه سقوط سهم خوزستان در سال ۱۳۷۵ بوده که دلایل اصلی آن بازگشت مهاجرین جنگ خوزستانی به استان خویش می‌باشد. در این دوره استانهای کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، ایلام، سیستان و بلوچستان، بوشهر و یزد کمترین تعداد مهاجرفرستی به استان تهران را دارا بودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲ - مهاجران وارد شده/خارج شده به/از استان تهران در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۶۵ (نفر)

استان	۱۳۷۵		۱۳۶۵	
	وارد شده	خارج شده	وارد شده	خارج شده
آذربایجان شرقی	۱۱۹۵۳۲	۳۳۰۶۴	۱۹۴۹۵۲	۱۱۹۵۳
خراسان	۶۷۵۹۲	۵۷۷۳۷	۳۹۳۵۵	۳۹۱۵۳
همدان	۶۵۵۸۸	۲۴۲۱۰	۵۰۰۵۴	۱۲۴۰۷
مازندران	۶۱۲۹۹	۴۵۷۳۳	۳۶۲۲۸	۲۶۳۶۴
گیلان	۵۸۴۸۶	۴۵۲۵۰	۴۲۸۱۱	۱۹۵۹۱
اردبیل	۴۹۵۷۹	۱۲۷۳۴	-	-
اصفهان	۴۷۳۱۴	۴۵۸۱۴	۲۹۳۲۹	۳۰۰۷۹
مرکزی	۴۵۰۸۱	۳۰۷۵۱	۳۶۱۰۵	۱۸۷۳۸
خوزستان	۳۴۳۷۵	۲۷۱۹۲	۴۸۱۸۱	۱۳۱۹۲
کرمانشاه	۳۲۷۰۶	۱۰۳۸۴	۲۰۶۴۷	۵۱۸۴
زنجان	۳۲۶۴۰	۱۵۵۲۶	۶۴۰۴۴	۲۰۴۱۵
لرستان	۲۹۱۸۶	۸۹۵۲	۱۶۵۴۵	۴۹۹۲
قم	۲۲۳۵۸	۲۳۳۴۰	-	-
آذربایجان غربی	۲۱۱۴۳	۱۷۱۰۲	۱۸۵۹۶	۵۰۲۱
کردستان	۲۰۷۶۲	۱۱۳۷۹	۲۳۴۰۰	۲۷۴۹
فارس	۲۰۰۹۴	۱۴۷۷۰	۱۱۲۵۸	۱۰۲۹۱
سمنان	۱۳۰۱۴	۱۸۴۳۲	۹۲۷۹	۱۱۴۲۲
هرمزگان	۱۱۴۷۰	۹۵۱۵	۳۴۴۶	۷۵۷۷
کرمان	۱۰۰۴۲	۸۴۳۱	۵۲۸۸	۵۹۵۱
یزد	۸۶۴۲	۱۰۴۵۰	۵۹۵۴	۷۳۱۵
بوشهر	۷۹۴۲	۵۰۴۰	۲۴۲۷	۵۶۲۲
سیستان و بلوچستان	۶۹۰۴	۵۵۳۹	۳۳۴۳	۵۴۳۹
ایلام	۵۴۷۱	۳۴۶۹	۳۵۱۳	۸۲۴
چهارمحال و بختیاری	۲۲۶۹	۱۱۳۳	۱۳۲۲	۸۴۵
کهگیلویه و بویراحمد	۱۴۹۶	۱۰۴۰	۳۲۱	۵۲۰
تهران	۱۰۳۱۷۸۰	۱۰۳۱۷۸۰	۴۴۴۸۸۷	۴۴۴۸۸۷
خارج از کشور	۶۴۹۹۶	-	۱۰۵۲۵۳	-
نامشخص	۱۲۶۳۱	-	۳۵۷۷۴	-
جمع	۱۹۰۴۳۹۲	۱۵۱۸۷۶۷	۱۲۵۲۳۴۲	۷۱۰۵۳۱

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن

- مهاجرین خارج شده از استان تهران: همانطور که در جدول (۲) نشان داده شده در ده سال گذشته در سال ۱۳۶۵ بیش از ۷۱۰ هزار نفر از تهران خارج شده‌اند، البته بیش از ۶۲ درصد از این افراد یعنی حدود ۴۴۵ هزار نفر جابجایی داخلی استانی بوده که با کسر این رقم از کل مهاجرین، افراد خارج شده از استان ۲۶۴ هزار نفر خواهند بود. در این دوره بیش از ۵/۵ درصد از مهاجرین خارج شده از استان، به استان خراسان کوچ کرده‌اند بعد از آن استان اصفهان با ۴/۲ درصد، استان مازندران با ۳/۷ درصد، زنجان، گیلان و مرکزی به ترتیب با ۲/۹، ۲/۸ و ۲/۶ درصد مهاجرین خارج شده در رده‌های بعدی قرار دارند. خالص مهاجرت به استان تهران در این دوره ۵۴۲ هزار نفر مهاجر وارد شده به استان می‌باشد (بدون احتساب جابجایی درون استانی).

در دوره ۷۵-۱۳۶۵ کل مهاجرین خارج شده از استان، ۱۵۱۹ هزار نفر بوده‌اند که حدود ۱۰۳۲ هزار نفر یعنی در حدود ۶۸ درصد، جابجایی درون استانی بوده‌اند. بدین ترتیب کل مهاجرین خارج شده ۴۸۷ هزار نفر خواهند بود. در این دوره باز هم استانهای خراسان، اصفهان و مازندران دارای بیشترین مهاجرپذیر از تهران بودند و استانهای گیلان، آذربایجان شرقی، مرکزی و خوزستان نیز در رده‌های بعدی در جذب مهاجر خارج شده از تهران قرار دارند. در پایین این جدول در هر دو دوره استانهای کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، ایلام، بوشهر و سیستان و بلوچستان قرار دارند. قرار گرفتن این استانها در پایین جداول فوق چه از نظر مهاجرفرستی و چه از نظر مهاجرپذیری از استان تهران نمایانگر کمترین نرخ‌های مهاجرت بین این استانها و استان تهران می‌باشد. بطوری که ملاحظه می‌شود این استانها دارای سهم بسیار پایینی از روند مهاجرت به تهران و بالعکس هستند. در این دوره خالص مهاجرت به استان تهران (بدون احتساب جابجایی درون استانی)، حدود ۳۸۵ هزار نفر مهاجر وارد شده به استان می‌باشند که نسبت به خالص مهاجرت در دوره ۶۵ - ۱۳۵۵ ۳/۴ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

۷ - روند جمعیت و مهاجرت در شهرستان فیروزکوه

- تحولات جمعیتی شهرستان فیروزکوه طی دوره ۸۳ - ۱۳۵۵: جدول (۳) روند

تحولات جمعیت این شهرستان را در طول دوره ۸۳ - ۱۳۵۵ نشان می‌دهد. جمعیت این شهرستان از ۲۳ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۴۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۳ افزایش یافته که ۰/۳ درصد از سهم جمعیت استان را شامل می‌شود. جمعیت این شهرستان در طول دوره ۸۳ - ۱۳۷۵ بطور متوسط ۲ درصد رشد داشته است و این نرخ در دوره ۸۳ - ۱۳۵۵ بطور متوسط سالانه ۲/۱ درصد بوده است (که تقریباً برابر نرخ رشد طبیعی بوده)، در مقایسه با همین شاخص در استان (۲/۸ درصد) پایین‌تر است و این آمار نشان‌دهنده آهنگ رشد کمتر جمعیت شهرستان فیروزکوه نسبت به روند فزاینده افزایش جمعیت در استان است.

جدول ۳ - روند جمعیتی شهرستان فیروزکوه در دوره ۷۵ - ۱۳۵۵

جمعیت (نفر)					سال
سهم روستایی (درصد)	سهم شهری (درصد)	روستایی	شهری	جمع	
۷۴٫۶	۲۵٫۴	۱۶۷۶۹	۵۷۰۴	۲۲۴۷۳	۱۳۵۵
۶۶٫۱	۳۳٫۹	۱۷۱۵۶	۸۱۰۷	۲۲۹۶۳	۱۳۶۵
۴۹٫۴	۵۰٫۶	۱۶۷۹۶	۱۷۳۱۰	۳۴۲۰۶	۱۳۷۵
۵۲٫۵	۴۷٫۵	۲۱۰۰۰	۱۹۰۰۰	۴۰۰۰۰	۱۳۸۳
—		رشد متوسط سالانه (درصد)			
—	—	۰٫۲	۴٫۴	۱٫۵	۶۵-۵۵
—	—	-۰٫۲	۷٫۰	۲٫۸	۷۵-۶۵
—	—	۲٫۸	۱٫۲	۲٫۰	۸۳-۷۵
—	—	۰٫۸	۴٫۴	۲٫۱	۸۳-۵۵

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه استان تهران (۱۳۷۷)

جمعیت شهری فیروزکوه از ۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۸/۸ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش داشته و در سال ۱۳۷۵ به ۱۷ هزار نفر رسیده که رشد متوسط ۷ درصد داشته که نسبت به استان (۲/۵ درصد) رشد جمعیت شهری فیروزکوه بیش از ۳ برابر رشد استان در این دوره می‌باشد. در دوره ۸۳ - ۱۳۵۵ جمعیت شهری بطور متوسط سالانه ۴/۴ درصد رشد داشته این در حالی است که این نسبت در استان ۲/۷ درصد

بوده است.

بطورکلی با مقایسه آمارهای فوق نتیجه می شود که تحولات جمعیت در شهرستان فیروزکوه آهنگ متناسبی با کل استان نداشته و افزایش جمعیت شهرستان فیروزکوه بیشتر در شهرها (فیروزکوه) متمرکز بوده و روستاهای شهرستان بیشتر مهاجرفرست بوده اند. روند مقایسه نرخ شهرنشینی در سال ۱۳۷۵ بین فیروزکوه و استان تهران نشان می دهد که ضریب شهرنشینی در فیروزکوه ۴/۹ درصد اما در کل استان ۸۸/۹ درصد بوده است (جدول ۴ - ۱۱). هرچند که ضریب شهرنشینی در فیروزکوه کمتر از استان است اما همانطور که ذکر شد روند شهرنشینی از ۱۳۵۵ به بعد در فیروزکوه رشد مثبت داشته در حالیکه در استان این روند دارای رشد منفی می باشد. بالطبع درخصوص جمعیت روستایی روند تحولات جمعیت در فیروزکوه و استان تهران عکس این موضوع صادق است. نسبت جنسیتی که نشان دهنده سهم مردان یا زنان از کل جمعیت است در شهرستان فیروزکوه بیشتر از استان بوده و نشان می دهد که جمعیت مردان در فیروزکوه بیشتر از زنان است که یکی از دلایل آن می تواند مهاجرت نیروی کار بصورت مجردی و یا برای ادامه تحصیل به این شهرستان باشد که بعلت آب و هوای بسیار سرد و مشکلات ارتباطی آن با سایر شهرها مردان ترجیح می دهند، تنها به این شهر سفر کنند.

جدول ۴ - شاخص های جمعیتی شهرستان فیروزکوه در مقایسه با استان تهران - ۱۳۷۵

(نفر)

شرح	جمع			شهری			روستایی		
	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن
تهران	۱۲۳۰۶	۷۵۲۷	۴۷۷۹	۱۳۶۰	۹۴۲	۴۱۸	۱۶۳۱	۸۵۵	۷۷۶
کل	۱۱۲۳۷۶	۵۷۳۹۲	۵۴۹۸۴	۹۱۹۰۵	۵۷۵۴۱	۳۴۳۶۴	۱۱۵۰۶۱	۶۰۵۰	۵۴۵۶۱
سهم شهرستان از کل (درصد)	۰,۳۳	۰,۴۲	۰,۳۳	۰,۰۹	۰,۲۱	۰,۰۷	۰,۱۷	۰,۱۹	۰,۱۴

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران

- مهاجرت در شهرستان فیروزکوه: جدول (۵) آمار مهاجرت در شهرستان

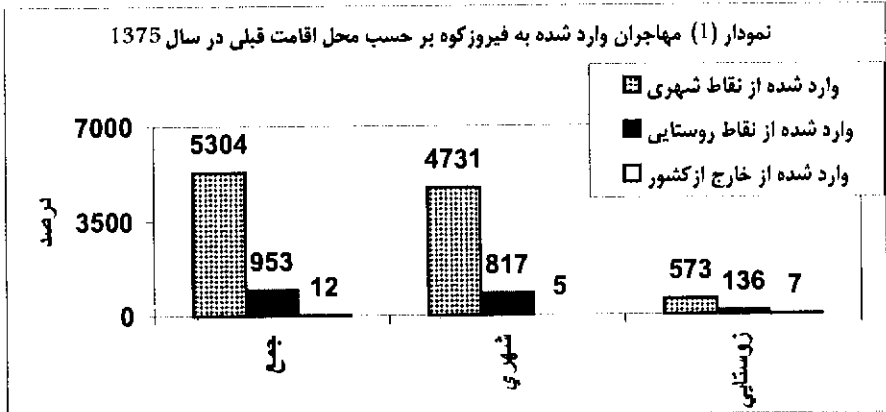
فیروزکوه را در دوره ۷۵-۱۳۶۵ نشان می دهد.

جدول ۵ - آمار مهاجرت در شهرستان فیروزکوه در دوره ۷۵-۱۳۶۵ (نفر)

مهاجران وارد شده از					شرح
جمع	نقاط شهری	نقاط روستایی	خارج از کشور	اظهار نشده	
۶۲۹۸	۵۳۰۴	۹۵۳	۱۲	۲۹	جمع
۵۵۷۴	۴۷۳۱	۸۱۷	۵	۲۱	شهری
۷۲۴	۵۷۳	۱۳۶	۷	۸	روستایی

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران

کل مهاجران وارد شده به شهرستان ۶۲۹۸ نفر بوده که ۸۸/۵ درصد به نقاط شهری و بقیه به نقاط روستایی مهاجرت نموده اند. همانطور که ملاحظه می شود عمده مهاجرت به نقاط شهری بوده و نقاط روستایی بعلت وضعیت خاص آب و هوایی و صعب العبور بودن در بیشتر ماه های سال مهاجران ورودی کمتری را شاهد بوده است. از کل مهاجران وارد شده، ۸۴/۳ درصد از نقاط شهری و ۱۵ درصد از نقاط روستایی وارد شده اند. همچنین ۰/۲ درصد از خارج از کشور (که عمدتاً کارگران افغانی بوده اند) و بقیه نیز نامشخص بوده است. در نمودار (۱) مشاهده می شود که غالب مهاجران ورودی به فیروزکوه (مناطق شهری و روستایی) از نقاط شهری وارد فیروزکوه شده اند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که شکل مهاجرت در فیروزکوه بیشتر مهاجرت شهر به شهر باشد.



مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن - آبان ماه ۱۳۷۵

از کل ۶۲۹۸ نفر مهاجران وارد شده بیش از ۷۰ درصد مدت اقامت بین ۴ - ۱ سال داشته‌اند و ۱۵/۹ درصد کمتر از یکسال در فیروزکوه سکونت داشته‌اند (جدول ۶).
ملاحظه می‌شود که بیش از ۸۵ درصد حداکثر تا ۴ سال در فیروزکوه سکونت داشته‌اند که از این تعداد بیش از ۸۹ درصد در نقاط شهری فیروزکوه بوده‌اند. به نظر می‌رسد که مهاجران بعثت ادامه تحصیل، مأموریت اداری و ... که دوره زمانی مشخص دارد، وارد فیروزکوه شده‌اند.

جدول ۶ - مهاجران وارد شده به فیروزکوه بر حسب مدت اقامت در دوره ۷۵ - ۱۳۶۵

(نفر)

شرح	جمع	کمتر از یکسال	بین ۴ - ۱ سال	بین ۹ - ۵ سال	اظهار نشده
جمع	۶۲۹۸	۱۰۰۴	۴۴۴۷	۷۵۹	۸۸
شهری	۵۵۷۴	۷۰۷	۴۱۶۳	۶۳۴	۷۰
روستایی	۷۲۴	۲۹۷	۲۸۴	۱۲۵	۱۸

مأخذ: سالنامه آماری استان تهران

مطالعه میدانی: برای این منظور پرسشنامه‌ای طرح گردید و روش جمع‌آوری

اطلاعات، بصورت مراجعه حضوری و تکمیل آن توسط مأمور آمارگیر بوده است. به پژوهشگران آمارگیر نیز در دو جلسه، روش تکمیل پرسشنامه آموزش داده شد. جامعه آماری نیز شهرستان فیروزکوه بود، که عمدتاً از مغازه‌داران، افراد ساکن شهر (با مراجعه به منازل) و کارمندان و نمونه‌هایی نیز از افراد گذری انتخاب شده‌اند. پرسشنامه به گونه‌ای طراحی شده بود که پاسخگو در صورتی که خود سرپرست خانوار نبود از زبان سرپرست خانوار می‌بایست پرسشنامه را تکمیل کرده، تا به این طریق بتوان خانواده‌های مهاجر و دلایل و ویژگی‌های واقعی افراد را تشخیص داد. سئوالات پرسشنامه به دو گروه تقسیم شده‌اند. گروه اول، سئوالات برای همه پاسخگویان (مهاجر و غیرمهاجر) یا سئوالات عمومی و گروه دوم فقط ویژه مهاجرین بوده. این تفکیک به دو دلیل انجام شده به دو علت، دلیل اول کم کردن خطای پیش‌داوری مأمور آمارگیر و دلیل دوم آزاد گذاشتن پاسخگو در مهاجر دانستن یا ندانستن خود یا خانواده خود و دادن اطلاعات دقیق‌تر بوده است.

تعداد نمونه ۱۷۵ خانواده بوده که از این تعداد در حدود ۷۰ نفر خود یا خانواده خود را مهاجر دانسته‌اند (۴۰ درصد) و به سئوالات مربوط به مهاجرین پاسخ داده‌اند. داده‌های خام این مطالعه در نرم‌افزار SPSS پردازش شده که اهم یافته‌های حاصل از این مطالعه در قسمت بعدی ارائه شده است.

برآورد حجم نمونه: از عمده‌ترین مسئله هر تحقیق میدانی، انتخاب حجم نمونه و اندازه آن و کافی یا ناکافی بودن آن برای استفاده در تحقیق و اطمینان خاطر از نتایج حاصل و شاخص‌های محاسبه شده برای تعمیم به جامعه مورد مطالعه می‌باشد. در این تحقیق از فرمول کوچران^۱ برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است که در ذیل ارائه شده است.^۲

در این روش برای برآورد حجم نمونه از تکنیک‌ها و روش‌های آماری استفاده می‌شود. منتها محقق برای انجام دادن آن به دانستن اطلاعات و پارامترهایی درباره جامعه‌ای که قصد انتخاب نمونه از آنرا دارد، نیازمند است. مثلاً باید وضعیت توزیع

یک یا چند صفت را که مورد مطالعه است، در جامعه بدانند، یعنی بدانند چند درصد جامعه آن صفات را دارند یا انحراف استاندارد جامعه یا میانگین آن صفت در جامعه را بدانند. برای بدست آوردن این شاخص می‌تواند از نتایج دیگر مطالعات یا مطالعات مشابه و یا از روشهای آماری دیگری استفاده کند.

روش‌های آماری که معمولاً در ارتباط با متغیرهای کیفی برای تعیین حجم نمونه مورد استفاده قرار می‌گیرد دو فرمول زیر است:

$$(۱) \text{ فرمول } n = \frac{t^2 pq}{d^2}$$

$$(۲) \text{ فرمول } n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

که در این فرمولها، $t = z$ اندازه متغیر در توزیع نرمال است که از جدول مربوط به آن در سطح احتمال موردنظر استخراج می‌شود، گاه در فرمول به جای حرف t از z استفاده می‌شود. p درصد توزیع صفت در جامعه یعنی نسبت درصد افرادی است که دارای صفت مورد مطالعه می‌باشند. q درصد افرادی است که فاقد آن صفت در جامعه هستند. d تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین محقق برای وجود آن صفت در جامعه است که حداکثر نسبت آن معمولاً تا ۰/۰۵ است و دقت نمونه‌گیری به آن بستگی دارد.

N ، حجم جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد. و n نیز حجم نمونه برآورد شده می‌باشد. در این تحقیق از فرمول دوم (فرمول کوچران) استفاده شده است. مزیت این فرمول نسبت به فرمول اول دخالت دادن حجم جامعه در فرمول است تا اعتبار بیشتری بدست دهد. برای استفاده از این فرمول برای فیروزکوه برای p از نسبت خالص تعداد مهاجرین وارد شده به استان تهران نسبت به متوسط جمعیت دوره ۷۵ - ۱۳۶۵ (که آخرین آمار مهاجرت مربوط به همین دوره است) استفاده شده با این فرض که این نسبت برای کل استان بوده و می‌توان برای شهرستان‌های استان نیز استفاده کرد. این

شاخص برای استان $p = \frac{876000}{9.000.000} = 0.097$ بدست آمده است که در این فرمول از $p = 0.1$ و $q = 0.9$ استفاده شده است. $N = 40.000$ برای جمعیت فیروزکوه در سال ۱۳۸۳، و با سطح اطمینان ۹۵٪ از جدول مربوط بدست می آید $t = z = 1.96$ و $d = 0.05$ می باشد، بنابراین داریم:

$$n = \frac{\left(\frac{(1.96)^2 (0.1)(0.9)}{(0.05)^2} \right)}{1 + \frac{1}{40000} \left(\frac{(1.96)^2 (0.1)(0.9)}{(0.05)^2} - 1 \right)} = 140$$

بنابراین تعداد حداقل حجم نمونه مورد اطمینان برای مطالعه میدانی این تحقیق ۱۴۰ عدد بوده است. که برای اطمینان بیشتر و بالا بردن دقت مطالعه این تعداد برای ۱۷۵ عدد پرسشنامه تکمیل گردید تا نتایج آن را با دقت بیشتری بتوان برای کل جامعه آماری مورد مطالعه (فیروزکوه) تعمیم داد. داده‌های خام حاصل از تکمیل این پرسشنامه نیز پس از کدگذاری و طبقه‌بندی آن در نرم‌افزار SPSS و تجزیه و تحلیل شده و مورد بررسی قرار گرفت.

۸ - نتیجه گیری

در این تحقیق مشخص شد که عوامل اقتصادی از جمله شغل و درآمد برای افراد با تحصیلات کم و عوامل فرهنگی مانند ازدواج و تحصیل برای افراد با تحصیلات بالا در مهاجر پذیری شهرستان فیروزکوه اهمیت داشته است. البته عوامل اقتصادی دارای اهمیت بیشتری هستند. همچنین مشخص شد که هم اکنون شکل مهاجرت به فیروزکوه از شهر به شهر است در حالی که قبلاً به صورت روستا به شهر بود. نتایج این تحقیق در دو بخش تنظیم شده که بخش اول منتج از بررسی روند است و بخش دوم نتایج حاصل از مطالعه میدانی است.

۸-۱- نتایج حاصل از مطالعه کتابخانه ای

۱ - سهم جمعیت شهرنشین استان تهران ۸۳ - ۱۳۵۵ روند نزولی داشته در حالی که در کل کشور این سهم افزایشی بود. که از دلایل آن می‌تواند رشد حاشیه نشینی در

تهران بعلت مشکلات زندگی در تهران (بویژه برای مهاجرین) و توسعه روستاها را بیان کرد.

۲ - طی دوره ۶۵ - ۱۳۵۵ بیش از ۱۲۵۲ هزار نفر وارد استان تهران شده‌اند که از این تعداد بیش از ۳۵ درصد در خود استان جابجا شده‌اند و در دوره ۷۵ - ۱۳۶۵ مهاجرین ورودی به استان ۱۹۰۴ هزار نفر بوده که ۵۴ درصد مهاجرت درون استانی بوده است.

۳ - در دوره ده ساله ۶۵ - ۱۳۵۵ مهاجر فرست‌ترین استانها به تهران به ترتیب شامل آذربایجان شرقی (۱۵/۶ درصد)، زنجان (۵/۱ درصد) و همدان (۴ درصد) بوده‌اند. و کمترین استانهای مهاجر فرست به ترتیب کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و بوشهر هستند.

۴ - در دوره ده ساله ۷۵ - ۱۳۶۵ استانهای آذربایجان شرقی (۶/۳ درصد)، خراسان (۳/۶ درصد) و همدان (۳/۴ درصد) مهاجر فرست‌ترین استانها و استانهای کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و ایلام کمترین مهاجر فرستی را به استان تهران دارا بودند.

۵ - کل مهاجرین خارج شده از استانها در دوره ۶۵ - ۱۳۵۵ بیش از ۷۱۰ هزار نفر بود که ۶۲ درصد جابجایی مربوط، مهاجرت از استان تهران بوده که در این دوره بیشترین مهاجرین خروجی به استانهای خراسان، اصفهان و مازندران بوده‌اند.

۶ - در دوره ۷۵ - ۱۳۶۵ کل مهاجرین خروجی از استانها ۱۵۱۹ هزار نفر بودند که ۶۸ درصد از این تعداد مهاجرت از استان تهران هستند. در این دوره باز هم استانهای خراسان، اصفهان و مازندران دارای بیشترین مهاجر وارد شده از تهران را دارند.

۸ - غالب رشد جمعیت در فیروزکوه در نقاط شهری بوده بطوری که رشد جمعیت شهری در فیروزکوه طی دوره ۸۳ - ۱۳۵۵ در حدود ۴/۴ درصد و در تهران ۲/۷ درصد است.

۹ - ضریب شهرنشینی فیروزکوه (۵۰/۶ درصد) بسیار پایین‌تر از استان (۸۹ درصد) است. هرچند که نرخ رشد شهرنشینی فیروزکوه در دوره مورد مطالعه از استان بیشتر

است.

۱۰ - نسبت جنسیتی (مرد به زن) جمعیت در فیروزکوه (۱۱۴) بیشتر از استان (۱۰۶) است بنابراین به نظر می‌رسد که مهاجرت به فیروزکوه به شکل مجردی (برای کار یا تحصیل) صورت گرفته است.

۱۱ - در دوره ۷۵ - ۱۳۶۵ کل مهاجرین وارد شده به فیروزکوه ۶۲۹۸ نفر بوده که از این نظر در رتبه آخر از نظر جذب مهاجرین ورودی به استان نسبت به شهرستان‌های دیگر استان را دارا می‌باشد.

۱۲ - از تعداد کل مهاجرین وارد شده به فیروزکوه ۶۶ درصد را مردان و بقیه را زنان تشکیل می‌دهند پس می‌توان نتیجه گرفت که روند مهاجرت به فیروزکوه در این دوره بیشتر به صورت مجردی بوده و مردان تنها به این شهر برای کار یا تحصیل مهاجرت کرده‌اند.

۱۳ - اکثر مهاجرین ورودی به فیروزکوه از نقاط شهری بوده و نوع مهاجرت به فیروزکوه به صورت مهاجرت از شهر به شهر بوده است.

۱۴ - بیش از ۷۰ درصد از مهاجرین ورودی به فیروزکوه در دوره ۷۵ - ۱۳۶۵ مدت اقامتشان بین ۱ تا ۴ سال بوده است و اکثر این افراد نیز در نقاط شهری ساکن بوده‌اند.

۸-۲- نتایج حاصل از مطالعه میدانی

۱ - بیش از ۳۵ درصد از افراد نمونه، محل تولد آنها شهر فیروزکوه و ۶۰ درصد نیز در نقاط خارج از شهر فیروزکوه هستند که از این تعداد تنها ۴۰ درصد افراد نمونه خود را مهاجر دانسته‌اند.

۲ - نتایج نشان می‌دهد که در دهه‌های گذشته شکل مهاجرت به فیروزکوه بیشتر از نقاط روستایی (فیروزکوه) به شهر بوده و در سالهای اخیر به شکل مهاجرت از شهر به شهر تغییر یافته است. که آمارهای مرکز آمار ایران نیز حاکی از همین موضوع و افزایش جمعیت شهری است.

۳ - حدود ۸۰ درصد از افراد نمونه در بین نزدیکان و آشنایان و یا خانواده خود مهاجر داشته‌اند (ورود یا خروج).

۴ - از بیس افرادی که قصد مهاجرت در آینده را دارند وضع درآمدی آنها در

فیروزکوه متوسط به بالا است. بنابراین به نظر می‌رسد انگیزه‌های فرهنگی و اجتماعی در قصد آنها از مهاجرت پررنگ‌تر باشد.

۵ - نتایج نشان می‌دهد که در حدود نیمی از مهاجرین تازه وارد در شغل‌های حاشیه‌ای و در مشاغل غیررسمی شاغل می‌شوند.

۶ - شغل و درآمد از عوامل مهم اقتصادی در مهاجرپذیری شهرستان فیروزکوه می‌باشد.

۷ - بیش از ۶۸ درصد از افراد نمونه قبل از مهاجرت به فیروزکوه در این شهر، آشنا و راهنما داشتند. پس عوامل فرهنگی و پیوندهای قومی و فامیلی در مهاجرت به فیروزکوه نقش داشته است.

۸ - بیش از ۷۵ درصد از مهاجرین قبل از مهاجرت به یافتن مسکن در فیروزکوه مطمئن و یا تا حدودی مطمئن بودند که اکثر آنها نیز پس از مهاجرت در خانه‌های استیجاری و یا خویشان و نزدیکان خود ساکن بودند.

۹ - از بین مهاجرین در نمونه، ۱۰/۳ درصد، علت مهاجرت به فیروزکوه را بیکاری، ۲۲/۷ درصد کمبود درآمد، ۲۹/۴ درصد تغییر شغل، ۲۰/۳ درصد تحصیل و ۱۱/۸ درصد ازدواج را علت اصلی مهاجرت می‌دانند. بنابراین هم عوامل اقتصادی (درآمد، بیکاری و ...) و هم عوامل فرهنگی و اجتماعی (تحصیل، ازدواج و ...) در بین مهاجرین دیده می‌شود اما نقش عوامل اقتصادی را تا حدودی می‌توان بیشتر دانست.

۱۰ - در بین مهاجرین دارای آموزش عالی، نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی، و در بین افراد کم‌سواد نقش عوامل اقتصادی پررنگ‌تر به نظر می‌رسد.

۱۱ - برای افراد واقع در گروه درآمدی کم و متوسط (قبل از مهاجرت)، عوامل اقتصادی و برای گروه درآمدی خوب، عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش بیشتری در مهاجرت این افراد به فیروزکوه داشته است.

۱۲ - مهاجرینی که مدت بیشتری در فیروزکوه ساکن هستند، هم عوامل اقتصادی و هم عوامل فرهنگی و اجتماعی و برای مهاجرینی که مدت سکونتشان کمتر بوده نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی از عوامل عمده مهاجرت این افراد بوده است.

۹ - پیشنهادها

۱ - باتوجه به اینکه در بین افراد دارای تحصیلات بالا، نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در مهاجرت به شهرستان فیروزکوه بسیار مؤثر بوده است بنابراین برای جذب و نگهداشت این نیروها که از عوامل مهم توسعه شهرستان می باشد، ایجاد فرهنگسرا، سینما، مراکز توریستی و فرهنگی، مراکز فرهنگی زنان و ... از اهم برنامه ها می تواند باشد.

۲ - در جهت جلوگیری از مهاجرت روستایی حومه شهرستان فیروزکوه به مرکز شهرستان، برنامه های عمرانی روستاها بویژه، توسعه راهها و راه سازی، دادن اعتبار بیشتر به روستاهای حومه در جهت تکمیل یا ایجاد طرح های تملک دارایی های سرمایه ای، توسعه مدارس و بهبود آموزش در این مناطق و ... می تواند در برنامه ریزی های شهرستان مدنظر باشد.

۳ - افزایش و سرعت بخشیدن و طرح های کوچک زود بازده اقتصادی در جهت جلوگیری از خروج نیروی کار بومی شهرستان و ارائه تسهیلات مناسب به آنها نقش مهمی در عدم مهاجرت از روستا به شهرستان دارد.

۴ - توسعه و گسترش شهرک صنعتی فیروزکوه از عوامل مهم و تأثیرگذار در جلوگیری از مهاجرت از شهرستان فیروزکوه به شهرها بوده و نقش موثری در توسعه شهرستان دارد.

منابع و مآخذ

- ۱ - اسکلدون، رونالد (۱۹۹۵)، "مهاجرت روستاییان به شهر و اثرات آن در کاهش فقر روستایی"، ترجمه حمیدرضا وجدانی.
- ۲ - تودارو، مایکل، ترجمه غلامعلی فرجادی (۱۳۷۰)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، سازمان برنامه و بودجه - مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، تهران، جلد اول، چاپ پنجم.
- ۳ - تودارو، مایکل، (۱۳۶۷)، مهاجرت های داخلی کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی سرمدی و دیگران، تهران: انتشارات بین المللی کار.
- ۴ - تقوی، نعمت الله، (۱۳۸۲)، "بررسی مهاجرت های میان منطقه ای - درون منطقه ای و مهاجرت های روستا - شهری در استان آذربایجان شرقی"، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان آذربایجان شرقی.
- ۵ - حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۲)، "مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی"، انتشارات سمت، تهران.

- ۶ - خلیلی عراقی، منصور (۱۳۶۷)، شناخت عوامل مؤثر در گسترش بی‌رویه شهر تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۷ - خوشکلام، پرویز (۱۳۷۸)، علل مهاجرت به استان تهران، سازمان برنامه و بودجه، استان تهران
- ۸ - دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- ۹ - رامین، تقی (۱۳۷۱)، عوامل اقتصادی، اجتماعی مؤثر بر مهاجرت‌های بین‌استانی در ایران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- ۱۰ - زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۷۶)، تحلیل جمعیت‌شناسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران.
- ۱۱ - سالنامه آماری استان تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران، سالهای مختلف.
- ۱۲ - سیمای شهرستان فیروزکوه، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۳ - عمیدی، علی (۱۳۷۸)، "نظریه نمونه‌گیری و کاربردهای آن"، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- ۱۴ - فرجادی، غلامعلی و همکاران (۱۳۸۲)، مهاجرت و اشتغال در استان تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران.
- ۱۵ - محمد، علیزاده، (۱۳۸۱)، سنتز ملی نتایج پیش‌بینی جهت استانهای کشور به تفکیک شهر و روستا، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- ۱۶ - مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن و سالنامه آماری، سالهای مختلف.
- ۱۷ - لهسایی‌زاده، عبدالعلی، نظریات مهاجرت، دانشگاه شیراز، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- 18 - Greenwood, Michael J. (1985), Human Migration: Theory, Models, and Empirical Studies, *Journal of Regional Science*, Vol. 25, No. 4, PP. 521 - 544.
- 19 - Greenwood, Michael J., Gary L. Hunt, Dan S. Rickman, and George I. Treyz (1991), Migration, Regional Equilibrium, and the Estimation of Compensating Differentials, *The American Economic Review*, Vol. 81, No. 5, PP. 1382 - 1390.
- 20 - Larson, Donald and Yair Mundlak (1997), On the Intersectoral Migration of Agricultural Labor, *Economic Development and Cultural Change*, Vol. 45, No. 2, PP.
- 21 - Ravenstein, E. G. (1885 & 1889), "The Laws of Migration", *J. Roy. Statist. Soc*, Part 1, June 1885, 48, PP. 167 - 227; part 2, June 189, 52, PP. 241-301.